

نقد مقاله «تلاوت» در دایرةالمعارف قرآن لایدن*

مصطفی زرنگار**

چکیده

«تلاوت» یکی از مفصل‌ترین مدخل‌های دایرةالمعارف لایدن بوده و مشتمل بر مباحث ذیل است: معنا و تعریف تلاوت، یکسان‌انگاری تلاوت و قرائت، ارکان تلاوت، احادیثی درباره‌ی تلاوت، زیباشناسی و مهارت صوتی در تلاوت. روش تحقیق در این مقاله، کتابخانه‌ای و تحلیلی است، بر این مبنا ابتدا گزارش جامع از مقولات مذکور در این مدخل ارائه شده، سپس این مطالب با معیار قرآن کریم و منابع علوم قرآنی مورد ارزیابی و نقد قرار می‌گیرد؛ تا نظریه صحیح در هر موضوع معرفی و تبیین گردد. به‌طورکلی تلاوت، صرف قرائت آیات نبوده، بلکه علاوه بر آن، دلالت بر امتثال و اتباع از مضامین قرآنی نیز دارد؛ از سویی یکی از جنبه‌های اعجاز بیانی قرآن، نظم آهنگ و موسیقی خاص موجود در کلمات قرآنی است که توجه به این موسیقی، به همراه رعایت قواعد تلاوت از سوی قاری، اثرگذاری آیات بر خواننده و مستمع مضاعف می‌شود. به‌عبارت‌دیگر، در صورتی که قرائت با عنصر ترتیل - به معنای تبیین و انسجام کلمات و عبرت‌گیری از آیات - همراه شود، تلاوت محقق می‌گردد و در این حالت است که تالی قرآن - به تعبیر روایات اسلامی - حامل قرآن و الگویی بر اساس معیار فرهنگ اسلامی - قرآنی برای مردم آن جامعه خواهد بود.

واژگان کلیدی: تلاوت، دایرةالمعارف قرآن لایدن، ارکان قرائت، احادیث تلاوت، منابع علوم قرآنی.

*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۱۵ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۰۳/۲۰.

**دکترای تفسیر تطبیقی از دانشگاه قم و مدرّس دانشگاه: Mostafaz114@gmail.com

مقدمه

از جمله آثار جدید خاورشناسان در مطالعات قرآنی که سهمی قابل توجه - و البته درخور تأمل - در معرفی قرآن و شناساندن آن در سطح بین‌المللی ایفا می‌کند، دایرةالمعارف قرآن لایدن است.^[۱] یکی از مقاله‌های مفصل این دایرةالمعارف، مدخل «تلاوت» است. این مدخل، اثری متعلق به آناگید و ترجمه اعظم عبدالله‌زاده زارع بوده و مسائلی درباره قرائت و تلاوت، تجوید و نظام‌های تلاوت، احادیث مربوط به تلاوت، زیباشناسی و مهارت صوتی در تلاوت را مورد پژوهش قرار داده است. عمده‌ی مطالب این دایرةالمعارف متکی بر منابع و آراء خاورشناسان و بعضاً منابع اسلامی متخذ از اهل سنتن بوده و مؤلفان، بر آن بوده‌اند که با رویکرد علمی به بررسی مداخل قرآنی بپردازند. البته رویکرد مذکور را می‌توان یکی از انگیزه‌های مطالعات قرآنی خاورشناسان دانست (نه همه‌ی آن انگیزه‌ها)، همان‌طور که در تصریحات مک اولیف - سر ویراستار این دایرةالمعارف - چنین می‌خوانیم:

«همان‌گونه که متون مقدس قدیمی - مانند انجیل - مورد نقد ادبی و تاریخی قرار می‌گرفتند، قرآن نیز وارد این حوزه شد. اکثر دانشمندان این دوره (نیمه دوم قرن ۱۹) از قرآن به‌عنوان منبعی قابل اعتماد در بازسازی زندگی محمد و تاریخ جامعه اسلامی یاد کرده‌اند... البته بخش اعظم از این توجه به خاطر ملاحظات مجادله‌آمیز مانند شناخت دشمن بود... به‌منظور بی‌اعتبار ساختن قرآن به‌عنوان متنی وحیانی و نشان دادن تناقض درونی در آن مورد استفاده قرار گرفت.» (مک اولیف، دائرةالمعارف قرآن لایدن، ۲۰۰۱: ۱۸).

نوشته‌ی پیش‌رو که در نوع خود بدون سابقه است، مطالب مدخل تلاوت را در پنج محور تجمیع کرده، ابتدا به نقل نظریات مطرح شده توسط نویسنده مقاله‌ی مذکور می‌پردازد و سپس آراء مورد نظر را مورد نقد و ارزیابی قرار می‌دهد.

۱ - معنا و تعریف تلاوت در دایرةالمعارف قرآن لایدن

در ابتدای مدخل تلاوت (همان: ۲۲۱-۲۲۲)، عبارات و جملاتی ذکر شده که نشان‌گر برداشت نویسنده از معنای تلاوت قرآن است، مواردی چون: خواندن قرآن با صوت، تلاوت قرآن به معنای خواندن قرآن عربی با صوت و یا صوت واقعی کلام الهی و اطلاق واژه‌ی تلاوت به عمل خواندن قرآن با صدای بلند و به مفهوم در پی هم آوردن پیام قرآنی در قالب بیان آن با صوت انسان. هم‌چنین تعریف تلاوت از دیدگاه نویسنده این مدخل، شاخه‌ای از علوم قرائات قرآن است که اغلب به آیات الهی بیان شده در قرآن یعنی به نقل سرگذشت رسولان و امت‌های پیشین در تاریخ مقدس و هم‌چنین به فعل عملی خواندن خود قرآن اشاره دارد.

ارزیابی و نقد

تلاوت در لغت از ریشه «تلو» به معنای خواندن، از برخواندن و پیروی کردن است. معنای پیروی کردن و اقتداء از بین معانی دیگر این واژه، محوری تر است؛ پیروی کردنی که میان شیء پیروی شده با پیروی کننده، حائل و واسطه‌ای نیست. این متابعت گاهی با جسم و گاهی با فرمان‌بری از حکم است که مصدر آن «تَلُو» و «تَلُو» است و گاهی با قرائت و تدبیر که در این صورت مصدر آن «تلاوت» است. این واژه در قرآن برای قرائت مطالبی به کار رفته که تبعیت از مضامین آن‌ها ضروری است (راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ۱۴۱۲: ۷۱ - ۷۲).

این جملات، نمونه‌ای از تحقیقات گسترده در خصوص ارائه‌ی معنای تلاوت در منابع لغوی عالمان مسلمان است و نشان‌دهنده این مطلب که واژه‌ی «تلاوت»، صرفاً به معنای خواندن قرآن آن‌هم با صوت و یا صدای بلند نبوده، بلکه علاوه بر آن، دلالت بر اتباع و امثال مضامین قرآنی می‌نماید: تلاوت، اتباع از مضمون کلام وحی با معرفت معانی و فهم آن‌ها و نیز تصدیق اخبار وارده‌ی قرآنی و امثال اوامر و نواهی آن است (آل‌سعدی، تیسیرالکریم الرحمن، ۱۴۰۸ ق: ۵۵۳). در قرآن کریم، این واژه با مشتقات فعلی و مصدری آن، بالغ بر ۶۱ بار تکرار شده و متعلقات آن به شرح زیر است:

الف) القرآن، کتاب الله، الکتاب، ذکراً، صحفاً مطهّرةً، آیات الله، آیات ربکم، آیاته، آیاتی، آیات الله والحکمة، آیات الرحمن، من قرآن، من الآيات والذکر الحکیم، ما اوحی الیک من کتاب ربک.
ب) التوراة، نبأ نوح، نبأ ابراهیم، نبأ موسی و هارون، نبأ الذی آتیناه آیاتنا، ما حرّم ربکم، نبأ ابنی آدم، ما تتلوا الشیاطین و برخی ضمائر مثل «ها» در «تلاها» از سوره شمس.

از مجموع ۳۳ متعلق تلاوت در قرآن، ۲۰ مورد به کتاب، آیات، قرآن و بقیه موارد، به داستان‌های قرآنی مربوط می‌گردد. معنای محوری تلاوت در این آیات را می‌توان متابعت کامل از وحی الهی و در اغلب موارد به صورت خواندن آیات یا سرگذشت واقعی ائمه و شخصیت‌های دینی و احکام الهی بر مردم، توسط پیامبر اکرم ﷺ دانست. بهترین ترجمان و تصویرگری معنا و تعریف تلاوت و الگوی طبیعی و عملی آن را می‌توان وضعیت ماه نسبت به خورشید دانست: والقمر اذا تلاها (شمس/۲) که با تمام وجود در برابر نور خورشید قرار گرفته و در اثر تلاوت کردن از خورشید، به گوهری منیر تبدیل می‌شود.

بنابراین «تلاوت» صرفاً نقل سرگذشت رسولان و امت‌های پیشین و صرفاً عمل خواندن قرآن نیست، بلکه تلاوت قرآن (توسط آدمی) مجموعه و منظومه‌ای است از خواندن (برای خود و دیگران)، تدبّر، فهم معانی و عمل به مضامین قرآن. قرار گرفتن تلاوت آیات قرآن در کنار تزکیه، تعلیم کتاب و حکمت (جمعه/۲؛ آل عمران/۱۶۴؛ بقره/۱۲۹ - ۱۵۱)؛ و در جوار اقامه نماز و انفاق (فاطر/۲۹؛ عنکبوت/۴۵) و این‌که پیامبر اکرم ﷺ مأمور به عبادت صاحب بیت‌الله الحرام و قرار گرفتن در زمره‌ی تسلیم‌شوندگان علاوه بر مأموریت تلاوت قرآن هستند (نمل/۹۲ - ۹۱)، نشانگر وسعت دایره‌ی معنای تلاوت و دلالت آن بر مفاهیمی چون ایمان (احقاف/۷؛ جاثیه/۶؛ قصص/۳؛ اسراء/۱۰۷؛ انفال/۲؛ آل عمران/۱۰۱؛ بقره/۱۲۱)، تبیین‌گری (طلاق/۱۱؛ احقاف/۷؛ جاثیه/۲۵؛ سبأ/۴۳؛ حج/۷۲؛ مریم/۷۳؛ هود/۱۷؛ یونس/۱۵)، علم و تعقل (اسراء/۱۰۷؛ یونس/۱۶؛ انعام/۱۵۱؛ بقره/۴۴ - ۱۵۱) و عمل به مضامین آیات با تمام وجود (شمس/۲؛ هود/۱۷؛ یونس/۶۱؛ بقره/۱۲۱) است.

۲ - یکسان‌انگاری تلاوت و قرائت در دایرة‌المعارف لایدن

در این بخش (مک اولیف، دائرة‌المعارف قرآن، مدخل تلاوت، ۲۰۰۱: ۲۲۲)، جملاتی نقل شده مبنی بر یکی دانستن معنای تلاوت و قرائت قرآن؛ به‌عنوان نمونه گفته شده: عمل تلاوت قرآن بر پایه مجموعه‌ای از قواعد به نام «تجوید» صورت می‌گیرد. واژه تجوید را نظامی اصولی از قواعد برای تلفظ صحیح قرآن معرفی کرده است. هم‌چنین تلاوت قرآن را بر اساس تجوید دارای نام‌های بسیاری دانسته است، از جمله این اصطلاح‌ها، روایت‌های گوناگون عبارت قرآنی «ترتیل» است که به معنای «سنجش» کلام قرآن به شیوه‌ای دقیق و با تأنی اخذ شده است. موثق‌ترین راه انتقال قرآن را در سنت‌های اسلامی، مربوط به تعلیم و تعلّم، تلاوت از حفظ و گوش سپردن بدان دانسته است. درباره استناد قرآنی یکی بودن قرائت و تلاوت، به آیه چهارم سوره مَزَمَل اشاره می‌شود و در باب نحوه‌ی قرائتش نیز به آیات ۱۶ تا ۱۹ سوره قیامت ارجاع شده است.

۲۳۸

ارزیابی و نقد

در تلقی و برداشت نویسنده، تلاوت همان تلفظ صحیح کلمات و جملات قرآن دانسته شده که بر اساس قواعد تجوید شکل می‌گیرد و چنین تلفظی که بر اساس قواعد تجویدی ادا شود، نام ترتیل به خود می‌گیرد و کلام مُرْتَل به معنای سنجش آن به شیوه‌ی دقیق و با تأنی و شمرده است. از

طرفی دستور قرآنی در باب قرائت، مطابق آیات ۱۶ تا ۱۸ سوره قیامه، اولاً بر عدم تعجیل در حرکت دادن زبان در خواندن قرآن استوار است و ثانیاً تبعیت از نحوه خواندن خداوند.

اولین نکته در مقام نقد این برداشت، آن است که با توجه به معنای لغوی و کاربردی «تلاوت» در قرآن کریم و منابع، تساوی معنایی و هم‌پوشانی کامل بین این دو واژه وجود ندارد و رابطه بین آن دو از نظر منطقی، عموم و خصوص مطلق است، یعنی هر تلاوتی، مشتمل بر قرائت هست، ولی هر قرائتی - هرچند مطابق اصول و قواعد تجویدی باشد - مشتمل بر تلاوت نیست. نکته دوم آن است که قرائت و خواندن قرآن لزوماً مترادف با تجویدی خواندن الفاظ قرآن نیست، بلکه اعم از آن است. نکته سوم در خصوص ارتباط قرائت و ترتیل است که نویسنده از دو حیث این ارتباط را برقرار می‌کند: تلفظ بر اساس قواعد تجویدی و سنجیده، دقیق و با تأنی خواندن کلمات.

در این زمینه ابتدا لازم است به معنای لغوی و اصطلاحی ترتیل اشاره شود:

ترتیل از «رتل»، به معنای آتساق و انتظام مستحکم چیزی است و ترتیل یعنی رها کردن (ادا نمودن) کلمه از دهان به آسانی و استقامت (راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ۱۴۱۲: ۱۹۲)؛ نیز ترتیب و نظم داشتن حروف بر اساس حق هر حرف و تثبیت آن (در مقابل حدر که به سرعت ادا کردن است) و قرائت بر اساس نظم و توالی الفاظ. ترتیل قرآن به معنای تبیین، انسجام، تثبیت کلام و کوبیدن آن به دل (به جهت عبرت گفتن از آیات) و خواندن با صدای حزین به صورت آیه آیه و شمرده است (طریحی، مجمع البحرین، ۱۳۷۵: ۵/۳۷۵؛ مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ۱۳۶۸: ۴/۴۷)

تعریف اصطلاحی «ترتیل» مطابق جمله مشهور: «الترتیل حفظ الوقوف و اداء الحروف»، منسوب به پیامبر اکرم ﷺ و امیر مؤمنان علیؑ (مجلسی، بحارالانوار، بی تا: ۱۸۸/۸۲؛ فیض کاشانی، المحجبة البيضاء، ۱۴۰۳: ۱/۷۱؛ طریحی، مجمع البحرین، ۱۳۷۵: ۵/۳۷۵)، دارای دو رکن اساسی: شناخت و رعایت محل صحیح وقف‌ها به هنگام قرائت آیات و اداء صحیح حروف و الفاظ آن است.

۲۳۹ بر اساس مطالب فوق، ترکیب قرائت و ترتیل از حیث معنا می‌تواند به «تلاوت» منتهی گردد. نکته چهارم در خصوص تمرکز داشتن قاری به هنگام قرائت است که این مطلب فی‌نفسه پسندیده است، ولی این برداشت به آیه ۶۱ سوره یونس منسوب شده، درحالی‌که مضمون آیه مذکور این است که هر کاری که انجام می‌دهیم - از جمله تلاوت قرآن - تحت نظر و کنترل شهود الهی است.

۳- تجوید و نظام‌های تلاوت در دایرةالمعارف لایدن

ذیل این عنوان، چهار موضوع مطرح می‌شود (مک اولیف، دائرةالمعارف قرآن لایدن، مدخل تلاوت، ۲۰۰۱: ۲۲۵-۲۳۰) که به شرح زیر هستند:

۱-۳. تاریخ و گسترش قرائات

نویسنده، این‌گونه وارد بحث شده که بر اساس برخی نقل‌های تاریخی اسلامی، مرگ بسیاری از صحابه پیامبر اسلام ﷺ، در جنگ‌های رده، همراه با گسترش اسلام در نواحی غیرعرب به روند یکسان‌سازی متن قرآن و نیز آغاز گسترش علوم قرآنی شتاب بخشید، سپس با تلقی این‌که نحو، تفسیر و تلاوت جزو علوم قرآنی است، گسترش هم‌زمان علوم اسلامی - قرآنی را در پاسخ به شرایط و رویدادهای صرفاً تاریخی دانسته است!

وی هم‌چنین اصطلاح «قرائات» را در کاربرد فنی و دقیق خود، به قرائت‌های گوناگون پذیرفته شده‌ی قرآن، تعریف کرده که در واقع تفاوت‌های اندکی با تلفظ متن عثمانی داشته و همگی نظام مشابهی از قواعد تلاوت، یعنی تجوید را به کار می‌برند. از باب مثالی روشن در باب اختلاف قرائات، واژه‌ی «مالک» یا «ملک» (حمد/۴) ذکر شده که هر دو تلفظ به معنای واحد: فرمانروایی خدا در روز قیامت اخذ شده است.

در خصوص نظام‌های قرائت، مقصود از این نظام‌ها را هفت قرائت تأیید شده مطرح کرده و عدد هفت را مبتنی بر حدیث مشهوری معرفی می‌نماید که از پیامبر ﷺ درباره قرائات چندگانه نقل شده است با این محتوا که: قرآن، وحی شده تا با هفت حرف متفاوت (احرف) تلاوت شود، پس آنچه را برای شما میسر است از آن، تلاوت کنید. تفسیر غالب از این روایت (مشهور به روایت سبعة احرف) چنین نقل شده است که «احرف» به آنچه در سنت اسلامی به هفت قرائت مشهور شده، اشاره دارد. در پایان دلایل متعدد پذیرفته شدن قرائات: آسان‌تر شدن درک قرآن و افزایش لایه-های چندوجهی معانی قرآن، ذکر گردیده است.

۲۴۰. ارزیابی و نقد

این‌که گفته شده: «برخی نقل‌های تاریخی»، معلوم نیست منبع و منشأ این سخن از کجا به وجود آمده است؟ ضمن آن‌که در جنگ‌های رده، مخاطبان غیرعرب و صحابه نبوده‌اند، از طرفی معلوم نشده ارتباط بین این جنگ‌ها با یکسان‌سازی متن قرآنی و آغاز گسترش علوم قرآنی، چیست و اساساً چه می‌تواند باشد؟

موضوع و محور بحث در حادثه «رَدّه»، مسئله خلافت و جانشینی پیامبر (پس از آن حضرت) و پرداخت زکات - یا عدم آن از سوی مسلمانان و کسانی که تا سال ۱۱ هجری، هنوز اسلام نیاورده بودند - به خلیفه (ابوبکر) است؛ به طوری که سه دسته روایت در این موضوع در منابع تاریخی و حدیثی اهل سنت ذکر شده است: دسته اول مسئله رَدّه را به گونه ای مطرح می کنند که گویی به جز مکه و مدینه و پیرامون آن ها، کمتر عربی در شبه جزیره بر دیانت اسلام پابرجا مانده بوده است؛ دسته دوم: اساساً ارتداد را در ماجرای رَدّه به معنای خروج از دین تلقی نمی کنند؛ دسته سوم: گروه رَدّه را به مرتدان از دین و مسلمانان مانع زکات تقسیم می کنند.

از نظر شیعه امامیه که در مورد بیعت سقیفه حساسیت خاصی داشته اند، در دوره های مختلف تاریخ همواره مرتد شمردن مانعان زکات و جنگیدن با آنان را مورد انتقاد قرار داده و حتی در مواردی تصریح کرده اند که آنچه آنان را واداشته تا زکات را به خلیفه بپردازند، باورهای آن ها درباره بیعت سقیفه بوده است.

شماری از اندیشمندان اهل سنت نیز در عین این که حرکت تاریخی خلیفه در جنگ با مانعان زکات را مورد انتقاد قرار نداده اند، در مورد این که عدم پرداخت زکات، موجب کفر و جواز قتل گردد، موضع مخالف اتخاذ کرده اند. فقیهانی چون ابوحنیفه، مالک و شافعی بر آن هستند که اگر کسی معتقد به وجوب زکات باشد و تنها به عللی از پرداخت آن امتناع ورزد، کافر نیست (پاکتچی، پژوهشی در کتاب شناسی جنگ های رَدّه، ۱۳۷۸: ۵).

- ترکیب اضافی: علوم قرآنی نحو، تفسیر و تلاوت، در این نوشتار یک ترکیب بدعت آمیز و غیر مستعمل در بین معجم علم علوم قرآن و تفسیر است؛ چراکه هر یک از اجزاء این ترکیب، خود دلالتی غیر از دیگری دارند. علوم قرآنی مصطلح، سلسله مباحثی نظری و بیرونی در قرآن کریم است که قبل از ورود به معنا و تفسیر آیات مطرح می شود و شامل مباحث: وحی، تاریخ نزول، تاریخ جمع قرآن، قرائات، اعجاز و مصونیت از تحریف می شود (مرکز الثقافة و المعارف القرآنیة، علوم القرآن عند المفسرین، بی تا: ۹/۱).

۲۴۱ علم نحو نیز علم به اصول و قواعدی است که با آن ها حالت و حرکت حرف آخر هر کلمه در جمله و نیز کیفیت ترکیب کلمات با هم در یک جمله، معلوم می شود. موضوع این علم: کلمه و کلام و هدف آن حفظ زبان از اشتباه لفظی است.

معنای تفسیر، در لغت: کشف و ابانه و در تعریف، علمی است که متکفل بیان معانی آیات و کشف مقاصد و مدلول های آن هاست (مرکز الثقافة و المعارف القرآنیة، علوم القرآن عند المفسرین، بی تا: ۳/۱۷۶؛ طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن: ۱۴۱۷: ۴/۱).

علم قرائات، علم به کیفیت‌های اداء کلمات قرآن و اختلاف آن‌ها است، به شرطی که اداء این کلمات به راوی و ناقل آن منسوب گردد (مرکز الثقافة و المعارف القرآنیة، علوم القرآن عند المفسرین، بی تا: ۱۱/۲). باید توجه داشت که قرائات قرآنی به‌طور کلی به دو جزء اصول و فروع تقسیم می‌شود: منظور از اصول، احکام و قواعد کلی قرائت هر یک از قراء است که تحت ضابطه خاصی معرفی می‌شود و منظور از فروع یا فرش الحروف، بسط و نشر قرائت هر قاری در کلمات قرآنی است (پورفرزب، تجوید جامع، ۱۳۸۱: ۵۱). محور عمده اختلاف قرائات سبع و راویان مشهور آنان در اصول، به جنبه‌های لفظی، صوتی و لغوی و در فروع همچنان لغوی و نحوی بازمی‌گردد و به‌ندرت جنبه‌های دیگری تفسیری، کلامی، فقهی و غیره پیدا می‌کند به‌طوری‌که اختلاف قرائات دارای جنبه فقهی در سراسر قرآن، تنها چهار مورد است (لسانی فشارکی، قراء سبعه و قرائات سبع، ۱۳۹۲: ۵۸۳).

مثال روشنی که در باب اختلاف قرائات (در دایرةالمعارف لایدن) نقل شده، مربوط به فرش الحروف کلمات بوده (نه اصول)، ضمناً معنای دو واژه «مالک» و «مَلِک» یکی نیست. «مالک» به معنای قادر متصرف مختار در مال خود (به هر نحو که بخواهد) و اعمّ از «مَلِک» به معنای فرمانروا است؛ چراکه کسی ممکن است پادشاه و فرمانروا باشد، ولی مالکیت نداشته باشد (عسکری، معجم الفروق اللغویة، ۱۴۲۶: ۴۷۴). فرق دیگر مالک و ملک آن است که اولی متصرف اموال خود به هر شکل که می‌خواهد و دومی متصرف در امر ونهی کردن نسبت به مأمورین خود است (محیسن، معجم حفاظ القرآن عبر التاريخ، ۱۴۱۲: ۱/۱۰۴).

– آخرین نکته در این بخش آن است که نویسنده مقاله تلاوت، پنداشته که در نظام قرائات، تنها هفت قرائت مورد تأیید وجود دارد و عدد هفت را مبتنی بر حدیث «سبعة احرف» دانسته است!

قرائات قرآنی از نخستین لحظات نزول آیات با عنایت و حمایت الهی و در پرتو درایت و کفایت پیامبر گرامی اسلام در جهت تبلیغ رسالت قرآن، آغاز شده و در عهد آن حضرت تحت رهبری مستقیم ایشان شکل گرفته، تنظیم یافته و بزرگان صحابه با تبعیت از دستورالعمل و عملکرد سنت و سیره‌ی آن حضرت، به آن قوام بخشیده‌اند (لسانی فشارکی، قراء سبعه و قرائات سبع، ۱۳۹۲: ۱۲۲)؛ به عبارت دیگر پیدایش قرائات و ادوار مختلف آن را می‌توان از همان آغاز پیدایش به صورت تعلیم آیات و سور قرآنی تا عصر تطوّر مقیاس امتیاز میان قرائات صحیح و غیر صحیح دانست که برخی این ادوار را شانزده دوره دانسته‌اند (الفضلی، القرائات القرآنیة، ۱۹۸۰: ۲۲ – ۷۶). بنابراین نمی‌توان ادعا نمود که قرائات مورد تأیید، صرفاً هفت قرائت است، چراکه اولاً قراء

سبعه خود راویانی داشته‌اند که در برخی موارد، اختلافاتی با قاری خود داشته‌اند و اگر حداقل دو راوی مشهور برای هر قاری را در نظر بگیریم، تعداد قرائات به ۱۴ می‌رسد؛ ثانیاً برخی از علماء قرائت معتقدند تعداد قرائات مشهور و متواتر ده قرائت است (برای نمونه رک: ابن جزری، النشر فی القراءات العشر، بی‌تا؛ محیسن، المغنی فی توجیه القرائات العشر المتواترة، بی‌تا)؛ ثالثاً عدد هفت در نظام قرائات در برهه‌ای از ادوار تاریخی قرائات اتفاق می‌افتد، یعنی در قرن چهارم هجری، توسط ابن مجاهد در کتاب «السبعة»، البته وی هرگز اقدام به تحدید قرائات به هفت قرائت نکرد، بلکه این پدیده‌ای بود که ده‌ها سال پیش از عصر و زمان او شکل گرفته و جا افتاده بود، تنها کاری که ابن مجاهد انجام داده، عبارت از ثبت و تثبیت قرائات مشهور زمانش در کتابی طرح‌دار و نظام یافته با اسناد محکم و ادله‌ی متقن. محدود کردن روایات هر قرائت به دو طریق از دو راوی نیز - که در مجموع چهارده روایت مشهور را رواج بخشید - از اقدامات ابوعمر و دانی - در نیمه اول قرن پنجم هجری - در کتاب التیسیر بود (لسانی فشارکی، قراء سبعة و قرائات سبع، ۱۳۹۲: ۱۱۰ - ۱۳۰). مضمون روایت «سبعة احرف»، بر فرض صحّت صدور از نبی مکرم اسلام ﷺ، واحد نبوده دارای وجوه و دلالت‌های متعدّد و بعضاً متضاد است.

ملاک اصلی روایات منقوله در این باب، تبدیل نشدن عذاب به رحمت و بالعکس ذکر شده است. طرق نقل این روایت همگی از اهل سنت بوده و مخالف با صحیحیه‌ی زراره است که از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند:

قرآن واحد است و از جانب خدای واحد نازل شده و اختلاف، از طرف راویان آمده است (خویی، البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۰۱: ۱۷۱ - ۱۹۳). بنابراین حمل حدیث و تحدید آن بر هفت قرائت، ادعایی بی‌اساس و بدون حجّت است.

از طرف دیگر برای هر یک از واژه‌های این روایت: نزول، سبع، حرف و نیز تعبیر گوناگون این روایت در نقل‌های متعدّد، برداشت‌های متفاوت وجود دارد که قابل جمع نیست. آنچه مسلم است، حمل هفت حرف بر هفت قرائت، مورد پذیرش جامعه علمی قرار نگرفته است (همان). وانگهی بر فرض دلالت حدیث بر مسئله قرائات، برخی همه قرائات مشهور و غیر آن را تنها یک حرف از احرف سبعة یا بخشی از یک حرف دانسته‌اند (لسانی فشارکی، قراء سبعة و قرائات سبع، ۱۳۹۲: ۵۶۱).

۳-۳۰. نظام تجوید و وقف وابتدا

در این مدخل، معنای تجوید، صحیح بودن و بهتر اداء کردن بیان شده است. درباره‌ی تعریف تجوید چنین گفته شده که: نظام دقیقی از قواعد است که تلفظ صحیح قرآن و در نتیجه لحن و آوای واقعی آن را مشخص می‌کند، هم چنین علمی است که در آن از اعطای وزن و

میزان صحیح هر آوا به آن، بحث می‌گردد. نظام تجوید را شامل دستوراتی برای تلاوت کننده در باب تلفظ صحیح آواها، ادغام حروف یا حرکات کنار هم و نیز مد آهنگین و مناسب آواهای دارای حرکت معرفی کرده است. هم‌چنین گفته شده که در تجوید، عواملی برای انعطاف‌پذیری فی البداهه و غیرآهنگین تعیین می‌شود، آنگاه از جمله این عوامل، وقف‌ها و ابتداهایی دانسته شده که قاری به کمک آن‌ها می‌تواند بر کلمات، عبارات یا آیات خاص تأکید کند.

در تعبیر دیگر این مدخل، تجوید را صوت منحصربه‌فردی دانسته که پدیدآورنده‌ی تلاوت قرآن است؛ به طوری که تلاوت قرآن را از لحن و آواز زبان عربی معمول، متمایز می‌سازد. درنهایت به طور کلی، تجوید به عنوان شکل دهنده ضرب‌آهنگ و اوزان تلاوت قرآن با کیفیت موسیقایی تعریف شده است.

ارزیابی و نقد

قواعد مذکور در این مدخل در خصوص تجوید صرفاً به ذکر برخی مخارج و صفات حروف و در احکام اشاره گذرا به ادغام، اظهار، اخفاء و اقلاب شده، بدون آن‌که حروف مورد نظر و کیفیت اجرای این احکام ذکر شود، از طرفی وقف وابتدا را دسته‌ی آخر از قواعد مربوط به نظام تجوید معرفی کرده و تقسیم‌بندی ناقص و غیر گویای وقف به اضطراری، اختیاری و نیز تام، حسن و قبیح، لازم و مرتخص، معانقه و درنهایت به وقف انتظاری اشاره شده و آن را وقفی می‌داند که (برای قاری) امکان تغییر قرائت به یکی از هفت قرائت معیار را فراهم می‌کند.

- واژه تجوید در لغت، مصدری است عربی به معنای نیک خواندن و نیک گردانیدن، برگرفته از جودت (نیکویی) و جید (نیکو)، متضاد ردی (واژه و نامرغوب) که در اصطلاح نیز نزدیک به همین معنا گرفته است (قمحاوی، البرهان فی تجوید القرآن، ۱۴۰۵: ۹). اصطلاح تجوید به معنای علمی است که به برخی مخارج حروف و صفات آن‌ها و احکام حاصل شده از ترکیب حروف در کلام منطوق (گفتاری) اختصاص دارد. این تعریف از کلام بزرگان علم تجوید برمی‌آید که گفته‌اند: اعطای حق هر حرف از نظر مخرج و صفت (ابن جزری، النشر فی القراءات العشر، بی‌تا: ج ۱/ ۲۰۸؛ خلیل الحصری، احکام قرائة القرآن الکریم، ۱۴۱۶: ۲۸؛ پورفرزیب، تجوید جامع، ۱۳۸۱: ۳۴)؛ و یا ادای حرف از مخرج خود همراه با اعطای حق (به تنهایی) و مستحق (در ترکیب) آن حرف (نصر، نهاییه القول المفید، ۱۳۹۱ ق: ۲).

نکته قابل توجه در مدخل تلاوت دایرةالمعارف لایدن آن است که در تعریف تجوید، از وزن و آوا و ضرب‌آهنگ و مدّ موسیقایی کلمات استفاده شده است. این معنا در تعریف برخی علماء

تجوید و قرائت ذکر شده است، از جمله: تجوید زیور تلاوت و زینت قرائت است و آن، عبارت است از اعطای حقوق حروف و حفظ ترتیب و مراتب آن‌ها و بازگرداندن حرف به مخرج و اصل آن و پیوند دادن آن به نظیرش و درست ادا کردن لفظ و با لطافت و نرمی به زبان آوردن آن با توجه به صورت و هیأت کاملش بدون آشفتگی، زیاده‌روی و دشواری (ابن جزری، النشر فی القراءات العشر، بی تا: ۱/ ۲۱۲).

از سوی دیگر در برخی روایات توصیه به تحسین و تزیین صدا به هنگام تلاوت قرآن شده و راه تحسین و زیبا کردن صدا نیز مراعات کردن احکام تجوید در سه بخش اداء صحیح حروف (حق و مستحق)، صفات و احکام آن‌هاست. آنچه بسیار اهمیت دارد، دقت آوایی در تلفظ صحیح کلمات و توازن در اداء آن‌ها مطابق قواعد تعریف شده در آن علم است. به عبارت دیگر، تجوید دارای مجموعه قواعدی جامع و گسترده است که بسیاری از معیارهای تولید صدا نظیر طول هجا، طنین آوایی و تلفظ را سازمان‌دهی می‌کند (نلسون، هنر قرائت قرآن، ۱۳۹۰: ۷۳). تأثیر تجوید بر صوت قرائت را می‌توان در دو حوزه بررسی کرد: قوانین ثابت که ویژگی‌های صوت و شکل قرائت را تعیین می‌کنند مانند غنّه، عبارت‌هایی که در یک نفس خوانده می‌شود و مانند آن و قوانین متغیّر نظیر انواع مدّ و تقطیع که به قاری کمک می‌کند در کارش به بیشترین ارزش هنری دست یابد (همان: ۸۳).

– درباره‌ی وقف وابتدا و این‌که ادعا شده دسته آخر از قواعد تجویدی و به‌عنوان عاملی است برای انعطاف‌پذیری و غیرآهنگین، باید گفت: اگر تجوید را علم آواشناسی و تلفظ صحیح آواهای قرآنی و زیبا و موزون تلاوت کردن می‌دانیم، چگونه عنصر و عاملی غیر موزون را در آن راه می‌دهیم؟! از طرف دیگر مگر دانش وقف وابتدا و قواعد آن‌که بر وقوف قاری بر معانی آیات مبتنی است، در نظام تجوید به معنای عام آن – یعنی تحسین، تزیین و زیبا خواندن – از ارکان تلاوت به شمار نمی‌آید؟

نکته بعد آن است که قواعد وقف وابتدا با قواعد تجوید متفاوت‌اند، زیرا بیشتر با وضوح معنا سروکار دارند تا صحّت اداء. البته وجود این قواعد در کنار قواعد تجوید، نشان‌گر جامعیت قرائت صحیح است (نلسون، هنر قرائت قرآن، ۱۳۹۰: ۹۳). حتی برخی از دانشمندان، شناخت مواضع وقف در قرآن را واجب دانسته‌اند (ابن جزری، النشر فی القراءات العشر، بی تا: ۱/ ۲۲۵)؛ و برخی دیگر عدم شناخت مواضع وقف را به معنای عدم شناخت قرآن دانسته‌اند (قسطلانی، لطائف الاشارات، ۱۳۹۲: ۲۴۹).

۴-۳. آداب حفظ و تلاوت قرآن

درباره این موضوع در مدخل تلاوت (مک اولیف، دائرة المعارف لایدن، ۲۰۰۱: ۲۳۱-۲۳۲)، ابتدا به تقسیم بندی سبک های تلاوت از حیث سرعت (حدر، ترتیل، تجوید = تحقیق)، اشاره می-شود، آنگاه اصول علمی تلاوت به معنای «ادب»، اخذ و معرفی شده، سپس به ذکر برخی آداب مثل سکوت هنگام استماع آیات، وضو، استقبال، استعاذه، بسمله، قطع تلاوت به هنگام شنیدن اذان، پرداخته می شود؛ اشاره به ۱۵ سجده تلاوت در قرآن و این که قاری و مستمع می تواند (نه آن که واجب است) سجده تلاوت را به جا آورد، ترغیب مسلمانان از صدر اسلام به حفظ قرآن، مشهور بودن همسران پیامبر ﷺ به حفظ قرآن، حاملان قرآن (به مثابه حافظان) مسئولیت یاری رساندن به نظام اخلاقی کلی جامعه را بر عهده دارند، این که حاملان قرآن، حامل معیار اسلام هستند و تکریم قرآن به خاطر خودش نه بهره ی دنیوی حاصل از آن، از مطالب پایان بخش این موضوع در این قسمت است.

ارزیابی و نقد

منظور از ادب، آن رفتار شایسته ای است که یک قاری یا مستمع قرآن، شایسته است از خود نشان دهد. این مطلب با اینکه آداب تلاوت را همان اصول علمی تلاوت بدانیم، سازگاری ندارد؛ چراکه بسیاری از این آداب، توصیه های اخلاقی - دینی است که قبل، حین و پس از قرائت قرآن انجام می گیرند، نه آن که از اصول، اجزاء و ارکان قرائت باشند. آداب ظاهری، مانند طهارت داشتن، دعای قبل و بعد تلاوت، استعاذه، تلاوت از روی مصحف، تلاوت با صدای زیبا، استماع و سکوت... و آداب باطنی مثل اخلاص، حضور قلب، تدبّر، ارتقاء.

از سوی دیگر، قطع تلاوت به هنگام شنیدن اذان، جزء آداب تلاوت در کتب متعارف و مشهور ذکر نشده است (به عنوان نمونه ر.ک: فیض کاشانی، المحجّة البیضاء، ۱۴۰۳؛ علامی، آداب تلاوت قرآن، ۱۳۸۶؛ عطار، التجوید و آداب التلاوه، ۱۴۱۲).

در خصوص تقسیم بندی قرائت قرآن از لحاظ اداء سریع حروف و کلمات یا آرام و آهسته خواندن آن ها به سه روش (تحقیق، تدویر و حدر: قمحاوی، البرهان فی تجوید القرآن، ۱۴۰۵: ۱۷)، در صورتی این تقسیم بندی با موضوع بحث مرتبط می شود که بدانیم یکی از آداب تلاوت، تدبّر در معانی آیات است. حال باید بررسی کنیم کدام روش، این ادب را درون خود دارد؟ با توجه به دستور قرآنی: «ورتل القرآن ترتیلاً» (مزّمل/۴) و تفسیر ترتیل که روشن و واضح و ممتاز خواندن آیات با درنگ نزد آیات عذاب و ثواب و با هدف عبرت گرفتن است (طبرسی، مجمع البیان فی

تفسیر القرآن، ۱۴۰۶ ق: ۹۴/۶)، باید گفت: به هر روش که قرآن تلاوت شود، روش ترتیل به عنوان ادب حاکم بر سایر انواع قرائت باید تلقی گردد. به قول ابن جزری، روش درست در قرائت، همان چیزی است که عموم علمای سلف بر آن بوده اند و آن، خواندن به روش ترتیل، همراه تدبّر است... در نتیجه پرهیز از سرعت و شتاب زدگی در قرائت، قاری را به مقصود آیات خواهد رساند (ابن جزری، النشر فی القراءات العشر، بی تا: ۱/۱۶۶).

- درباره سجده تلاوت، باید گفت: این موضوع به دو قسم واجب و مستحب تقسیم می شود و مجموعاً بالغ بر ۱۵ مورد است. از نظر فقهاء شیعه، چهار موضع، سجده واجب وجود دارد و به سوره هایی که دارای این آیات سجده دار هستند، «عزائم» گفته می شود. در بین فقهاء اهل سنت چنین تقسیم بندی وجود ندارد. در مذاهب حنفی، شافعی و حنبلی آیات سجده ۱۴ مورد و در مذهب مالکی ۱۱ مورد است. حکم آیات سجده نزد حنفی ها واجب، ولی مالک و شافعی و حنبلی آن ها را سنت (مستحب) دانسته اند. از نظر آنان هنگام قرائت و استماع آیات یاد شده، سجده کردن واجب نیست (ر.ک: علاّمی، آداب تلاوت قرآن، ۱۳۸۶: ۱۱۲ - ۱۱۷)

- مطلب دیگر که ادّعا شده همسران پیامبر اکرم ﷺ حافظ قرآن بوده اند، سؤال این است که آیا تمام همسران ایشان از چنین موهبت الهی برخوردار بوده اند یا برخی از آنان؟ در کتاب معجم حفاظ القرآن عبر التاريخ، از محمد سالم محیسن، از هیچ یک از همسران ایشان نامی نیامده که به عنوان حافظ قرآن معرفی شده باشند.

- آخرین نکته در این بخش، اشاره به این مسئله است که حافظ یا حامل قرآن، حامل معیار اسلام و مسئول یاری رساندن به نظام اخلاقی جامعه است، مطلبی است به جا و دارای ریشه و اساس در روایات اسلامی.

از رسول اکرم ﷺ نقل شده: حامل القرآن حامل رایة الاسلام (متقی هندی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، ۱۴۱۳: ۱/۵۲۲)

حامل قرآن می تواند و باید با علم و عمل و تدبیر خود و با تکیه بر نشر معارف قرآن کریم، با تأسی به پیامبران، امتی را تشکیل دهد و آنان را به همراه خویش به راه راست هدایت کند. این الگوی توسعه فرهنگی اسلامی است. رسول بزرگوار اسلام و صاحب قرآن در بخش دیگر از کلام خویش فرموده اند:

صنفان من امتی اذا صلحا صلحت امتی و اذا فسدا فسدت امتی: الامراء و القراء (ابن بابویه صدوق، الامالی، ۱۳۵۵ ش: ۱۳۲، مجلسی، بحار الانوار، بی تا: ۱۷۸/۹۲). در روایت دیگر از آن حضرت، معاشر قراء و حاملان کلام الهی را مسئول آن چیزی می داند که خداوند از کتاب خود

برعهده آنان گذارده است (خوش منش، حمل قرآن، ۱۳۸۹: ۱۷۰ و ۱۶۹). بنابراین، قاری، حافظ، حامل و هر کس که خود را به قرآن منسوب می‌دارد، موظف است، علاوه بر توجه به جوانب ظاهری و لفظی قرآن کریم، دستورات و توصیه‌های قرآن را نصب‌العین خود و امام عمل خود قرار دهد و کمترین وظیفه‌اش آن است که کاری نکند که باعث وهن قرآن و بدنامی آن گردد.

۴- احادیث درباره تلاوت، در دایرةالمعارف لایدن

در این بخش از مدخل تلاوت (مک اولیف، دائرةالمعارف قرآن لایدن، ۲۰۰۱: ۲۲۳-۲۲۵)، ابتدا بیان شده که مسلمانان در سراسر تاریخ شکل‌گیری قرائت و تجوید، مباحث نظری و عملی قرآن را بر اساس دو منبع موثق قرآن و احادیث نبوی و روایات صحابه و تابعین، پایه‌گذاری کرده‌اند، سپس به برخی از احادیث در فضیلت تلاوت با صوت و نغمه‌ی خوش (صوت حسن، تغنی به قرآن)، روایات دال بر نحوه تلاوت پیامبر اکرم ﷺ در اوقات شبانه‌روز، مطلوبیت تلاوت قرآن در طول شبانه‌روز و پیش از اوقات نماز، هشدارهایی به قراء در خصوص خودنمایی یا تظاهر در تلاوت و خطر نفاق و عدم التزام به واجباتی مثل نماز و روزه، اجر فردی و جمعی (دنیوی) داشتن تلاوت. و در نهایت ادعا شده با گسترش سنت‌های دین‌داری زاهدانه، بر این داده‌های حدیثی تأکید شده و اساس سنت تلاوت در حلقه‌های زاهدانه، این آرمان است که: قاری باید با تجربه‌ی مستقیم و بلافضلی که قرائت در قلب او ایجاد می‌کند، هماهنگ باشد.

و این‌که بنا بر اظهارات صوفیان مشهور، قرآن هم در خواب و هم در بیداری اهل عمل، حضوری محسوس دارد، چنین حضوری به مثابه فضای صمیمیت فزاینده‌ای ترسیم می‌شود که گاه آن را برحسب مفهوم کلیدی «ولایت» بیان می‌کنند.

ارزیابی و نقد

- قرار دادن روایات صحابه و تابعین در کنار قرآن و روایات نبوی از همگونی و اعتبار یکسان برخوردار نبوده، از اعتبار منبع موثق قرآن و روایات پیامبر اکرم ﷺ می‌کاهد. از طرفی همه مسلمانان چنین عقیده‌ای ندارند که همه‌ی روایات صحابه و تابعین به‌عنوان منبع موثق و رکن در مباحث نظری و علمی علوم قرآن باشد.

۲۴۸

- استفاده از منابع اهل سنت و نام بردن از برخی راویان و صحابه‌ای چون ابوموسی اشعری و ابوهریره، (برای اطلاع از شخصیت این دو، رک: موسوی بجنوردی، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۳: ۳۰۴/۶-۳۰۵ و ۳۹۹) و عدم بهره‌مندی از معارف بلند امامان معصوم ﷺ و منابع شیعی، از جمله موارد نقص در این مدخل است. گویی منابع شیعی جزء منابع اسلامی به شمار نیامده است!

- استفاده از منابع صوفیانه اهل سنت که زهد و عمل زاهدانه را به گونه‌ای باطنی و عرفانی تعریف کرده و تلاوت قرآن را نمونه‌ی اعلای عمل «ذکر» و عملی منتسب به صوفیان دانسته است، مناسب شأن تلاوت قرآن نیست.

از طرفی تلاوت قرآن را عنصری واجب در نماز - به عنوان بخشی از نماز - و مسلمانان را مقید به خواندن هفده بار سوره فاتحه در نمازهای یومیه دانسته است! در حالی که خواندن سوره حمد در ده رکعت اول نمازهای یومیه واجب است.

- در اینجا باید گفت اگر تلاوت قرآن به مثابه‌ی ذکر صوفیانه است، چگونه به عنوان عنصری واجب بر همه‌ی مسلمانان فرض شده است؟! از طرف دیگر، چگونه است که در آیات قرآن دستور به قرائت (مزمّل/۲۰)، تدبیر (نساء/۸۲؛ ص/۲۹؛ محمد/۲۴) و تلاوت قرآن (آل عمران/۱۱۳؛ فاطر/۲۹) برای همه مخاطبان قرآن وارد شده، نه فقط مذهب صوفیه و اساساً یکی از نام‌های قرآن، ذکر است (به عنوان نمونه: حجر/۶-۹؛ یس/۶۹؛ ص/۴۹؛ حدید/۱۶؛ تکویر/۲۷)، در روایات اسلامی نیز فراگیری قرآن از اعمال پسندیده و مورد تأکید برای اهل ایمان دانسته شده است (کلینی، اصول کافی، ۱۳۸۸ ق: ۲/۶۰۷)؛ و این که قرآن به عنوان عهدی الهی بر مخلوقات دانسته شده و بر هر فرد مسلمانی سزاوار است که در این پیمان الهی بنگرد و هر روز (حداقل) پنجاه آیه را بخواند (حر عاملی، وسائل الشیعة، ۱۴۰۹: ۶/۱۹۸) و احادیث فراوان دیگر که مجامع روایی شیعه و سنی از فضیلت، کیفیت، تأثیر دنیوی و اخروی قرائت، حفظ، تلاوت، تدبیر، تعلیم، تعلّم و عمل به قرآن ذکر کرده‌اند. خصوصیت یک شخص مسلمان، مؤمن، متعهد، عاقل و کسی که می‌خواهد بهترین مردم و اهل سعادت باشد، ارتباط دائمی او با مراحل انس با قرآن (قرائت، تدبیر، حفظ و عمل) است.

۵- زیباشناسی و مهارت در دایرةالمعارف لایدن

در این بخش که آخرین قسمت مدخل تلاوت است (مک اولیف، دائرةالمعارف قرآن لایدن، ۲۰۰۱: ۲۳۴-۲۳۷)، مطالبی با محوریت زیر آمده است:

۲۴۹

قرآن وحی شده با محصور کردن جنبه‌های آهنگین تلاوت در یک نظام کلی و مهارت فنی آدمی منافات دارد، انتساب رویه‌های تلاوت، نظیر سبک مجود و استفاده از نظام‌های مُدال (مقام موسیقی) به دوره عباسیان، تأثیرگذاری آوازخوانان برجسته‌ی زن عرب بر سبک‌های قاریان (مصری)، محدود کردن حوزه‌ی قرآن و برگزاری مسابقات قرآنی به کشور اندونزی، ارتباط دادن مسائل مربوط به زیباشناسی تلاوت به مفهوم «سماع روحانی» صوفیان!

ارزیابی و نقد

- و حیانی بودن آیات قرآن با خواندن آهنگین الفاظ آن در قالب یک نظام تعریف شده علمی - فنی منافات ندارد و اساساً یکی از جنبه‌های اعجاز بیانی قرآن، نظم آهنگ و موسیقی خاص است که کلمات، ترکیبات، آیات و سوره قرآنی در درون خود دارند (معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ۱۴۱۴: ۱۵۸/۵ - ۱۷۶ و ۲۲۲ - ۲۲۸).

- قرائت آهنگین، دل‌نشین و اثرگذار قرآن از همان آغاز نزول آیات وجود داشته و حتی بسیاری از افراد معاند و مشرک را تحت تأثیر خود قرار داده است (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۰۶ ق: ۱۰/۱۹۷؛ ابن هشام، السیرة النبویة، ۱۳۶۳: ۱/۳۳۷؛ قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ۱۴۰۵: ۱۹/۷۹؛ ابن سعد، طبقات الکبری، ۱۴۱۸: ۴/۲۳۸).

- تأثیر پذیری لحن و آوای قرائت قرآن از آوازخوانان عرب (آن هم آوازخوانان زن) ادعایی بی‌اساس است از دو جنبه: جنبه اول. روایت تحذیری نبوی مشهور: اقرؤ القرآن بالحن العرب و اصواتها و ایاکم و لحن اهل الفسق و الکبائر... (کلینی، اصول کافی، ۱۳۸۸ ق: ۲/۶۱۴؛ مجلسی، بحار الانوار، بی تا: ۱۹۲/۱۹۰) که صوت و لحن متناسب با آیات را با وصف عربی، یعنی همان وصف قرآن دانسته و استفاده از هر نوع موسیقی دیگر را در تلاوت، ممنوع دانسته‌اند؛

جنبه دوم. خاستگاه موسیقی (عربی) به نوعی به جریان‌های فرهنگی موجود برمی‌گردد، از طرفی مقامات و نغمات موسیقی عربی عیناً و بدون هیچ دخل و تصرف در آرایه الحان و نغمه‌های تلاوت مورد استفاده قرار نمی‌گیرند. هدف اصلی از این الحان، آرایه‌ی زیبا و صحیح آیات قرآن است نه آرایه‌ی نغمه‌ها و مقامات. از این رو، همین محدودیت در متن کلمات، نوع خاصی از موسیقی را در فنّ تلاوت ایجاد نموده که مشابه آن اساساً در انواع دیگر موسیقی یافت نمی‌گردد. بسیاری از نواهای - ردیف‌های - قرآنی، تابع روند نغمه یا مقام در موسیقی مقامی عرب نبوده و در واقع ترکیبات متنوعی از مقامات و فروع آن‌هاست که توسط قاری صاحب سبک برای نخستین بار ساخته و اجرا شده‌اند تا جایی که مورد توجه موسیقی‌دانان عرب نیز قرار گرفته و آنان از این الحان، در ساخت آهنگ‌های خود بهره جسته‌اند.

بنا بر موارد یاد شده و نیز مقایسه کلی اسلوب‌ها و شیوه‌های تلاوت قرآن و موسیقی مقامی عرب در اشکال مختلف آن، باید اذعان نمود که موسیقی تلاوت، دارای مکتبی مستقل از حیث اسلوب و شیوه است که نوعی خاص از الحان را با هدف ابلاغ و بیان زیباتر آیات قرآن کریم ارائه می‌نماید (شاه‌میوه اصفهانی، پژوهشی در جلوه‌های موسیقایی هنر تلاوت، ۱۳۸۵: ۸۳ - ۱۱۱).

در سنت اسلامی، بین قرائت قرآن و همه انواع موسیقی - چه مذهبی و چه غیر مذهبی - تمایز بنیادی وجود دارد. یگانگی مطلق متن قرآن به عنوان منبعی الهی، حتی جدا از متون مذهبی اذان، دعا و مدح پیامبر، شناخت قرآن به عنوان متنی یگانه که قرائت آهنگین آن از موسیقی مجزاست، به وسیله دستورات دینی تقویت می شود و این مسئله به قرائت و آوای آن تأثیر ویژه ای می بخشد (نلسون، هنر قرائت قرآن، ۱۳۹۰: ۲۹۶). مهارت بداهه خوانی در قرائت قرآن نه تنها بسیار ارزشمند و قابل تمجید است، بلکه از باید های این سبک و روح قرائت قرآن به شمار می رود (همان: ۳۱۵). عبدالوهاب (از موسیقی دانان مصر) روزی به شیخ مصطفی اسماعیل (از قراء طراز اول مصر) گفت: چگونه قرائت می کنی در حالی که از چگونگی آن آگاه نیستی؟ شیخ مصطفی گفت: من به خدا ایمان دارم.

بنابراین قاری نباید خوانندگی را با قرائت ترکیب کند، چراکه در این صورت است (عدم خلط خوانندگی با قرائت قرآن) که قاری به صورت ابتکاری به آهنگ مناسب رهنمون می گردد (همان: ۳۴۰).

- قرائت به سبک و سیاق آهنگین از نظر سابقه تاریخی و رتبه و کیفیت، به کشور مصر بازمی گردد و کشورهایی مثل اندونزی در این زمینه، مقلد سبک های مصری به شمار می آیند. از طرفی مسابقات قرائت قرآن فقط در این کشور برگزار نمی شود، بلکه مسابقات کشور مالزی و نیز کشور خودمان، جمهوری اسلامی، از نظر سابقه، کیفیت قرائت، متسابقین، آیین نامه داوری و ... بر مسابقات اندونزی مقدم هستند.

- ارتباط دادن مسائل مربوط به لحن قرائت با مسئله سماع صوفیانه، مانند بسیاری از ادعاها و اظهارات موجود در این مدخل، از روی کم اطلاعی و علم ناقص نویسنده است که در بسیاری از موارد، از باب مغالطه جزء و کلّ به شمار می آیند.

نتیجه

۲۵۱ ۱ - مدخل تلاوت در دایرةالمعارف لایدن شامل مباحث: معنا و تعریف تلاوت، نظام های تلاوت (یا همان اختلاف قرائت)، تجوید، وقف وابتدا، آداب حفظ و تلاوت و زیباشناسی و مهارت قرآن است.

۲ - در این مدخل، ضمن ارائه تعاریفی از قرائت و تلاوت، این دو واژه را یکسان انگاشته و قرائت قرآن را تابعی از نظام تجویدی می داند. مقصود از نظام تجویدی، اشمال تجوید بر ارکان تلاوت، یعنی قواعد تجوید، وقف وابتدا، صوت و لحن است.

- ۳ - مقصود از اصطلاح «نظام‌های تلاوت» در این مدخل، همان هفت قرائت (قرائت عاصم، نافع و ...) و منشأ هفت قرائت - به اشتباه - روایت «سبعة احرف» دانسته شده است.
- ۴ - استفاده از برخی آیات و روایات در این مدخل، با بحث و مدّعی موضوع ارتباط و هم-خوانی دارد. به‌عنوان مثال، تلاوت را اعم از قرائت قرآن و نقل سرگذشت رسولان و امت‌های پیشین می‌داند، هرچند از این تعریف عدول کرده و تلاوت را مترادف با قرائت اخذ کرده است.
- ۵ - در این مدخل، حافظ و قاری را حامل قرآن دانسته و از روایت: «اهل قرآن، اولیاء خدا و از خواص اند» چنین برداشت می‌کند که قرآن به برکت ولایت، حضور مستقیم در قلب حامل خود دارد، ولی این برداشت را صوفیانه می‌داند! گویی اهل قرآن بودن، از نظر برداشت کننده، در سایه صوفی‌گری محقق می‌گردد؛ اما باید توجه داشت در روایات اسلامی، به همه مسلمانان توصیه شده: «به‌گونه‌ای قرآن را بخوانید که گویی بر قلب شما نازل می‌شود و گویی مستقیم با خدا سخن می‌گویید»؛ یعنی اگر قاری نتواند کلمات قرآن را با قلب خود مرتبط کند، انگار قرآن نخوانده و از اهلیت قرآن خارج است، به‌عبارت‌دیگر، ادب قرائت و جایگاه رفیع آن اقتضاء می‌کند که قاری، خود را مخاطب مستقیم الهی بداند و این مطلب ربطی به برداشت صوفیانه از روایت مزبور ندارد.
- ۶ - تک‌بعدی بودن، نقص اطلاعات علمی، استفاده‌ی یک‌سویه از منابع و پیش‌داوری، پیش-فرض‌های غیرعلمی، خلط مباحث، عدم تقسیم‌بندی منطقی و مواردی از این قبیل، اشکالات عمده مدخل نویسان دایرة‌المعارف و نویسندگان مستشرق است و دایرة‌المعارف لایدن نیز از این حکم مستثنا نیست.

پی‌نوشت‌ها

- [۱] جهت اطلاع تفصیلی از این دایرة‌المعارف، نک: رضایی اصفهانی، محمدعلی، «بررسی دایرة‌المعارف قرآن لایدن»، دو فصلنامه قرآنی پژوهی خاورشناسان پاییز و زمستان ۸۵، شماره اول، ص ۴۷ - ۴۵ و نیز کتاب ماه دین - ماهنامه تخصصی اطلاع-رسانی نقد و بررسی کتاب / شماره پیاپی ۱۹۲، سال شانزدهم، شماره ۱۲، مهر ۹۲.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: رضایی اصفهانی، محمدعلی و جمعی از فضلاء حوزه و دانشگاه، موسسه فرهنگی دارالذکر، قم: ۱۳۸۳ ش.
۲. ابن سعد، محمد، طبقات الکبری، دارصادر، بیروت: ۱۴۱۸ ق.
۳. ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی بن حسین قمی، الامالی، اسماعیلیان، تهران: ۱۳۵۵ ش.
۴. ابن جزری، محمد، النشر فی القرائات العشر، ابوالخیر، مطبعة مصطفى محمد، قاهره: بی تا.
۵. ابن هشام، محمد بن عبدالملک، السیره النبویّه، تحقیق: مصطفی السقا و دیگران، انتشارات ایران، قم: ۱۳۶۳.
۶. آل سعدي، عبدالرحمن بن ناصر، تیسیرالکریم الرحمن، مکتبه النهضه العربیّه، بیروت: چاپ دوم. ۱۴۰۸ ق.
۷. پاکتچی، احمد، «پژوهشی در کتاب شناسی جنگ های رده»، مجله مقالات و بررسی ها، شماره ۶۶، زمستان ۱۳۷۸.
۸. پورفرزيب، ابراهيم، تجويد جامع، سمت، تهران: ۱۳۸۱ ش.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، قم: ۱۴۰۹.
۱۰. خليل الحصري، محمود، احكام قراءة القرآن الکریم، بی نا، بیروت: ۱۴۱۶ ق.
۱۱. خوش منش، ابوالفضل، حمل قرآن، سبحان، قم: چاپ دوم، ۱۳۸۹ ش.
۱۲. خویی، سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، انوار الهدی، بی جا: چاپ هشتم، ۱۴۰۱ ق.
۱۳. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دارالعلم الدار الشامیه، بیروت: ۱۴۱۲ ق.
۱۴. شاه میوه اصفهانی، غلامرضا، پژوهشی در جلوه های موسیقایی هنر تلاوت، انتشارات بوستان فدک، اصفهان: چاپ دوم، ۱۳۸۵ ش.
۱۵. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی، قم: ۱۴۱۷ ق.
۱۶. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، دارالمعرفه، بیروت: ۱۴۰۶ ق.
۱۷. طریحی، فخر الدین بن محمد، مجمع البحرین، مرتضوی، تهران: ۱۳۷۵ ش.
۱۸. عسکری، ابوهلال، معجم الفروق اللغویّه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم: چاپ سوم، ۱۴۲۶ ق.

۱۹. عطار، داود، التجوید و آداب التلاوة، مؤسسة البعثة للطباعة و النشر، قم: ۱۴۱۲ ق.
۲۰. علامی، ابوالفضل، آداب تلاوت قرآن، مؤسسه انتشارات حضور، قم: چاپ سوم، ۱۳۸۶ ش.
۲۱. الفضلی، عبدالهادی، القرائات القرآنیة، تاریخ و تعریف، دارالتعلیم، بیروت: ۱۹۸۰ م.
۲۲. فیض کاشانی، محمد، المحجّة البيضاء، تصحیح: علی اکبر غفاری، مؤسسة الاعلمی، بیروت: ۱۴۰۳ ق.
۲۳. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت: ۱۴۰۵ ق.
۲۴. قسطلانی، شهاب الدین، لطائف الاشارات، مجلس الاعلی للشؤون الاسلامیة، قاهره: ۱۳۹۲ ق.
۲۵. قمحاوی، محمدصادق، البرهان فی تجوید القرآن، عالم الکتب، بیروت: ۱۴۰۵ ق.
۲۶. کلینی، محمدبن یعقوب، اصول کافی، دارالکتب الاسلامیة، تهران: ۱۳۸۸ ق.
۲۷. لسانی فشارکی، محمدعلی، قراء سبعه و قرائات سبع، انتشارات اسوه، قم: ۱۳۹۲ ش.
۲۸. متقی هندی، علی بن حسام الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، مؤسسة الرسالة، بیروت: ۱۴۱۳ ق.
۲۹. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، انتشارات اسلامیه، تهران: بی تا.
۳۰. محیسن، محمدسالم، معجم حفاظ القرآن عبر التاريخ، دارالجیل، بیروت: ۱۴۱۲ ق.
۳۱. — المغنی فی توجیه القرائات العشر المتواترة، مکتبه اولاد الشیخ للتراث، بی جا: بی تا.
۳۲. مرکز الثقافة و المعارف القرآنیة، علوم القرآن عند المفسرین، مکتب الاعلام الاسلامی، قم: بی تا.
۳۳. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران: ۱۳۶۸ ش.
۳۴. معرفت، محمدهادی، التمهید فی علوم القرآن، مؤسسة النشر الاسلامی، قم: ۱۴۱۴ ق.
۳۵. موسوی بجنوردی، کاظم، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، مرکز دایرةالمعارف اسلامی بزرگ اسلامی، تهران: ۱۳۷۳ ش.
۳۶. نصر، محمد مکی، نهاية القول المفید، مکتبه علمیة، لاهور: ۱۳۹۱ ق.
۳۷. نلسون، کریستینا، هنر قرائت قرآن، ترجمه و تحقیق: محمدرضا ستوده نیا و زهرا جان نثاری، زمان نو، تهران: ۱۳۹۰ ش.